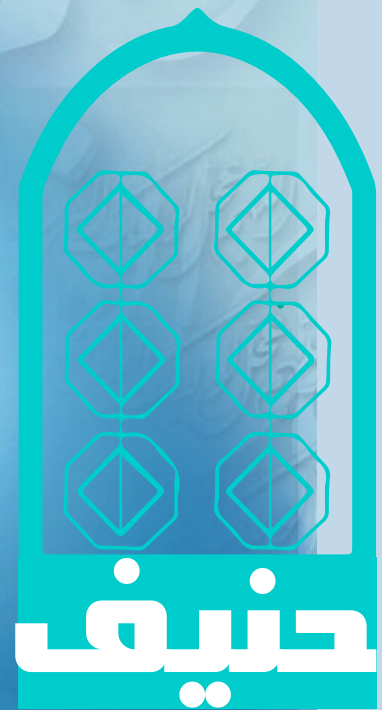


سلام بر مهدی منجراتنا



IMAM MAHDI (P.B.U.H)
WWW.TEBYAN.NET



ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

آخرین جانشین روی زمین

رفت و آمد نمی فرمودند، دستگاه خلافت عباسی برای حفظ آرامش خلافت خود بیشتر اوقات، آن حضرت را زندانی و ممنوع از معاشرت داشت. از جمله مسائل روزگار امام حسن عسکری (ع) یکی نیز این بود که از طرف خلافت وقت، اموال و اوقات شیعه، به دست کسانی سپرده می شد که دشمن آل محمد (ص) و جریانهای شیعی بودند، تا بدین گونه بنیه مالی نهضت تقویت نشود. اصحاب امام حسن عسکری، متفرق بودند و امکان تمرکز برای آنان نبود. حضرت هادی (ع) و حضرت امام حسن عسکری (ع) هم از سوی دستگاه خلافت تحت مراقبت شدید و ممنوع از ملاقات با مردم بودند و هم امامان بزرگوار ما کمتر معاشرت می کردند، زیرا دوران غیبت حضرت مهدی (ع) نزدیک بود، و مردم می بایست کم کم بدان خو گیرند.

امام حسن عسکری (ع) بیش از ۲۹ سال عمر نکرد ولی در مدت شش سال امامت و ریاست روحانی اسلامی، آثار مهمی از تفسیر قرآن و نشر احکام و بیان مسائل فقهی و جهت دادن به حرکت انقلابی شیعیانی که از راههای دور برای کسب فیض به محضر امام (ع) می رسیدند بر جای گذاشت.

در زمان امام یازدهم تعلیمات عالییه قرآنی و نشر احکام الهی و مناظرات کلامی جنبش علمی خاصی را تجدید کرد، و فرهنگ شیعی - که تا آن زمان شناخته شده بود - در رشته های دیگر نیز مانند فلسفه و کلام باعث ظهور

هشتم ربیع الاول شهادت مظلومانه ی امام حسن عسکری (علیه السلام) و آغاز دوره ی امامت امام مهدی (عج)، از حوادث مهم و حساس تاریخ تشیع به شمار می رود.

مقوله امامت و جانشینی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، همواره به عنوان یکی از مباحث مهم اعتقادی مسلمانان در طول تاریخ مطرح بوده است. اهداف نزول کتاب های آسمانی و ارسال پیامبران الهی، هنگامی به طور کامل تحقق می یابد که ختم نبوت با نصب امام معصوم همراه باشد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، در سال دهم هجری، هنگام بازگشت از حجة الوداع، با نازل شدن آیه ی «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» از سوی خداوند مأمور شدند در محلی به نام «غدیر خم»، انتصاب علی بن ابی طالب (علیه السلام) به مقام امامت را به آگاهی مردم برسانند و این انتصاب ادامه داشت تا همه جانشینان امیرالمومنین یکی بعد از دیگری معرفی شدند.

امام حسن عسکری یازدهمین امام بودند و فرزند ایشان آخرین جانشین. دوران عمر ۲۹ ساله امام حسن عسکری (ع) به سه دوره تقسیم می گردد:

دوره اول ۱۳ سال است که زندگی آن حضرت در مدینه گذشت.

دوره دوم ۱۰ سال در سامرا قبل از امامت.

دوره سوم نزدیک ۶ سال امامت آن حضرت می باشد.

دوره امامت حضرت عسکری (ع) با قدرت بنی عباس رو در رو بود. امام حسن عسکری (ع) از شش سال دوران اقامتش، سه سال را در زندان گذرانید.

با آنکه امام (ع) جز با خواص شیعیان خود



IMAM MAHDI (P.B.U.H)
WWW.TEBYAN.NET



مهدی (علیه السلام)، سبب روشنگری مردم شد و از انحراف های بعدی در مسأله امامت جلوگیری کرد. این کار بر همه ی شیعیان آشکار ساخت که پس از امام عسکری (علیه السلام)، فرزند ایشان عهده دار منصب امامت هستند. بدین ترتیب توطئه خطرناکی که خلفای عباسی، برای نابودی اساس مکتب تشیع طرح ریزی کرده بودند، خنثی شد.

باید دانست عوامل حکومت عباسی پس از شهادت امام عسکری (علیه السلام)، در صدد برآمدند تا کسی را از سوی خلیفه، مأمور نماز خواندن بر جنازه ی آن حضرت کنند و به پندار باطل خود، با این کار، پایان دوره ی امامت را اعلام و خلیفه ی غاصب عباسی را وارث امامت شیعه معرفی کنند اما با وجود مقدمه چینی های بسیاری که انجام داده بودند، نقشه ی آنان عملی نشد. هنگامی که فرد مورد نظر حکومت، آماده ی نماز خواندن بر پیکر امام یازدهم (علیه السلام) بود، ناگهان کودکی در حدود پنج ساله، با وقار و طمأنینه پیش آمد، آن فرد را کنار زد و خود به اقامه نماز پرداخت. این در حالی بود که به عنایت خداوند متعال، مأموران حکومتی نتوانستند حتی کوچک ترین عکس العملی از خود نشان دهند. با پایان نماز نیز، پیش از آن که مأموران حکومتی بتوانند کاری بکنند، آن حضرت از دیدگان غایب شدند. بدین ترتیب، دوره ی امامت حضرت مهدی (علیه السلام) آغاز شد.

آغاز امامت آن حضرت، با غیبت همراه بود که به «غیبت صغرا» مشهور است و تا سال ۳۲۹ هجری قمری به طول انجامید. پس از آن، مرحله ی جدیدی از غیبت که به دوره ی «غیبت کبرا» معروف است، آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. این دوران، سخت ترین دوره ی امتحان مردم است زیرا ارتباط مستقیم با امام (علیه السلام) برای همگان میسر نیست و نایب خاصی نیز وجود ندارد تا مردم به وسیله ی او بتوانند از آن حضرت، کسب تکلیف و پاسخ پرسش های شان را دریافت کنند.

در توصیف این برهه از زمان، تعبیرهای بسیاری در روایات وارد شده است که از وجود فتنه های بسیار خطرناک حکایت دارد. بشر در این دوره، به دلیل بی توجهی به ارزش های اصیل الهی و انسانی، با وجود برخورداری از زندگی به ظاهر زیبا، آراسته و مدرن به زندگی نکبت باری دچار می شود. بدین معنا که هر چند شکم ها سیر و زندگی پر زرق و برق خواهد بود، ولی روح ها مضطرب، نگران و سرگشته است و از دست دادن هدف و فلسفه درست زندگی، یکایک افراد بشر را به یأس و ناامیدی کشنده ای دچار می سازد.

امید است با پیروی از دستورات ائمه در این دوران خطیر آمادگی لازم را برای ظهور آن حضرت پیدا نماییم.

مردان بزرگی چون یعقوب بن اسحاق کندی، که خود معاصر امام حسن عسکری بود و تحت تعلیمات آن امام، گردید.

در قدرت علمی امام (ع) - که از سرچشمه زلال ولایت و اهل بیت عصمت مایه گرفته بود - نکته ها گفته اند. از جمله: همین یعقوب بن اسحاق کندی فیلسوف بزرگ عرب که دانشمند معروف ایرانی ابونصر فارابی شاگرد مکتب وی بوده است، در مناظره با آن حضرت در مانده گشت و کتابی را که بر رد قرآن نوشته بود سوزانید و بعدها از دوستداران و در صف پیروان آن حضرت درآمد. شهادت آن حضرت را روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری نوشته اند.

علت شهادت آن حضرت را سومی می دانند که معتمد عباسی در غذا به آن حضرت خورانید ولی بعد، از آن طبیب بر بالین امام فرستاد. اطباء مسیحی و یهودی که در آن زمان کار طبابت را در بغداد و سامره به عهده داشتند، به ویژه در مأموریت هایی که توطئه قتل امام بزرگواری مانند امام حسن عسکری (ع) در میان بود، برای معالجه فرستاد. البته از این دلسوزیهای ظاهری هدف دیگری داشت، و آن خشنود ساختن مردم و غافل نگهداشتن آنها از حقیقت ماجرا بود.

بعد از آگاه شدن شیعیان از خبر درگذشت جانگداز حضرت امام حسن عسکری (ع) شهر سامره را غبار غم گرفت، و از هر سوی صدای ناله و گریه برخاست. مردم آماده سوگواری و تشییع جنازه آن حضرت شدند.

پس از شهادت امام یازدهم، دوره ی امامت امام دوازدهم (علیه السلام) و مرحله ی خطیر زندگی آن حضرت که به دوره ی غیبت معروف است، آغاز می شود.



امامت حضرت مهدی (علیه السلام):

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) خطاب به علی (علیه السلام) فرمودند: «امامان پس از من دوازده نفرند که اولی آن ها تو هستی و آخر آن ها قائمی است که خداوند به دست او، شرق و غرب عالم را خواهد گشود.

همانطور که گفته شد به دلیل شرایط خفقان باری که خلفای عباسی ایجاد کرده بودند، حضرت مهدی (علیه السلام) پس از تولد، یک دوره زندگی نیمه مخفی را آغاز کردند. در این دوره که تا شهادت امام عسکری (علیه السلام)، ادامه داشت، تعداد بسیار اندکی از شیعیان، به دیدار ایشان نایل شدند

مسأله اقامه ی نماز بر پیکر مطهر امام عسکری (علیه السلام) توسط حضرت



گفت‌وگو با کارشناس حوزوی

مدعیان ظهور و راهکارهای مقابله با آن

بحث موعود باوری شیعه پی بگیرند.

*چرا دنیای غرب و سیاستمداران آن به دنبال تخریب چهره امام زمان علیه‌السلام می‌باشند؟

با توجه به اینکه حضرت قرار است یک نظام ظلم‌ستیز را پی‌ریزی کند لذا دنیای غرب و سیاستمداران و بنی‌العباس امروزی احساس خطر می‌کنند چراکه مسلمانانی که اعتقاد به حضرت دارند در غیبت را دوران سکوت و سکون نمی‌دانند بلکه دوران حرکت و پویایی برای زمینه‌سازی ظهور حضرت می‌دانند و با توجه به چنین نگرشی می‌خواهند هر چه بیشتر خودشان را به حضرت مهدی نزدیک کنند و حرکتی را مانند انقلاب اسلامی برای مقابله با دنیای ظلم آغاز کرده‌اند، همه این موارد باعث می‌شود که دنیای غرب به مباحث مهدویت حساسیت پیدا کند و به دنبال این حساسیت دست به شناخت می‌زند و زمانی که این شناخت نسبت به مباحث مهدویت اتفاق افتاد، سعی می‌کند روزه‌های نفوذ را پیدا کند تا بتواند به نحوی در مباحث مهدویت و اعتقادات مردم نفوذ کند تا ضربه خود را وارد کند و به جای معارف حقیقی، نسخه‌بدل‌های دروغین ایجاد کند لذا یکی از مواردی که غرب از طریق آن در پی ضربه زدن به معارف مهدوی است ایجاد جریان‌های انحرافی در مباحث مهدوی است که بخشی از این جریان مدعیان دروغینی را به نام حضرت مهدی یا منتسبان حضرت مهدی معرفی کند، برخی امروزه خود را به‌عنوان مهدی موعود و همان شخص نجات‌بخش معرفی کرده و به‌دروغ ادعای امامت می‌کنند و برخی دیگر را می‌بینیم که ادعا می‌کنند ما یکی از

مهدویت، ادامه نبوت، انبیا مصداق هدایت الهی و محور نجات بشریت

به مناسبت ایام شروع امامت امام مهدی (عج) در گفتگو با محقق و پژوهشگر مباحث مهدویت، حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد شهبازیان به بررسی شیوه‌های تبلیغی مدعیان ظهور و راهکارهای مقابله با آن پرداخته است که در ادامه منتشر می‌شود.

*مهدویت از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است؟

امروزه بحث‌های مرتبط با مهدویت جزو مباحث اصلی است که در جامعه جهانی پی‌گیری می‌شود و با عناوینی چون موعود باوری یعنی نگرشی که ادیان و مکاتب به موعود خودشان دارند از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در مباحث موعود باوری عنایت و توجه ویژه‌ای به موعود شیعه و مباحث مرتبط با آن می‌باشد.

*آیا غرب نیز به معارف مهدویت شیعه توجه دارد؟

امروز در دنیای غرب نیز نگاه ویژه‌ای به حضرت مهدی (علیه‌السلام) هست و تحقیقات و همایش‌ها و اجلاس‌ها و گفتگوهای مختلفی انجام می‌گیرد و سیاستمداران امروز، مانند بنی‌العباس که به دنبال این بودند تا حضرت مهدی را از بین ببرند در فضای بین‌المللی به دنبال تخریب چهره حضرت ولیعصر علیه‌السلام هستند. اما اگر بخواهند تخریب کنند، باید روش و شناختی را نسبت به حضرت داشته باشند و روشی را برای آسیب زدن به



را تغییر می‌دهند و در روایات جعل؛ تقطیع و تحریف می‌کنند.
*استفاده از خواب از دیگر ادله مدعیان مهدویت است لطفاً راجع این مطلب نیز توضیحاتی بفرمایید؟

یکی دیگر ادله این مدعیان دروغین استفاده از خواب است و می‌خواهند با خواب مردم را نسبت به شخصی به حقانیت برسانند. بنا بر فرهنگ شیعه و روایات و آنچه بزرگانی مانند شیخ مفید و علامه حلی و تمام فقها و علمای شیعه فرموده‌اند، خواب در مسائل اصول عقاید و مسائل فروع دین حجت نیست و کسی نمی‌تواند به خواب استناد کند.

*راهکار مقابله با این جریانات انحرافی در مباحث مهدوی چیست؟
اهل بیت علیهم السلام دو راهکار را بیان می‌کنند یکی اینکه می‌فرمایند دین خود را از کتاب و سنت اصیل بگیرد نه از دهان و زبان مردم، نباید بگوییم فلانی این طوری گفت، خیر، اگر سخنرانی هم بیانی دارد باید مراجعه کنیم و ببینیم واقعاً این روایت وجود دارد یا خیر، یا ببینیم این روایت اگر وجود دارد در منابع معتبر است یا منابع غیر معتبر؟ آیا این روایتی که یک جریانی برای ما خواند، در کتب قدما و بزرگانی مثل شیخ صدوق و کلینی و شیخ طوسی آمده یا در کتبی که چند سال پیش نوشته شده‌اند ذکر شده است؟ آیا این مصدر سندش معتبر است یا سند آن معتبر نیست؟ آیا این روایتی که برای ما خواندند همین معنا را دارد یا این فرد ترجمه غلطی ارائه داده است. علی محمد شیرازی می‌گوید از ادله اثبات امامت من این است که امام صادق (ع) فرموده است: لستین، در سال شصت قاضی می‌آید، خوب من علی محمد شیرازی در سال ۱۲۶۰ به دنیا آمدم و منظور ایشان این است، در صورتی که وقتی به منبع روایت مراجعه می‌کنیم می‌بینیم «لستین» نیست و علی محمد شیرازی تحریف لفظی انجام داده است مانند یهود که «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ، نساء ۴۶» هستند علی محمد شیرازی بنیان‌گذار بابت هم همین کار را انجام داده است و اصل روایت «لیستین» است یعنی مهدی و قائم می‌آید تا امر را برای مردم آشکار کند ولی ایشان «لیستین» را به «لستین» تبدیل کرده است آیا کلاهبرداری و دروغ‌پردازی از این واضح‌تر می‌شود؟ پس ما باید به مصدر مراجعه کنیم هر کسی که روایتی را برای ما خواند باید به مصدر آن مراجعه کنیم روحانیون هم باید چنانچه روایتی را برای مردم می‌خوانند آدرس آن را برای مردم بازگو کنند یا اگر بنده می‌خواهم سخنرانی کنم و می‌خواهم آدرس بدهم، از کتب قدیمی و معتبر آدرس بدهم نه اینکه از کتبی که اخیراً نوشته شده است آدرس بدهیم.

نکته دیگری که اهل بیت فرموده‌اند مراجعه به متخصص است، «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ، فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاهِ حَدِيثِنَا. فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ، وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ، كَمَالِ الدِّينِ؛ ج ۲، ص ۴۸۴، باب التوقيعات، حدیث ۴.» اینکه در روایت می‌فرماید: «إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقَمِّ، بحار الانوار (ط - بیروت)، ج ۵۷، ص: ۲۱۵» در آخر زمان اگر به شما گرفتاری‌های دینی هجوم آورد به قم و علمایی که در قم هستند مراجعه کنید مراد همین فقهاء هستند، ممکن است فقهایی وجود داشته باشند که اشتباهاتی داشته‌اند، اما آنچه مشخص است این است که همه فقها که مشکل ندارند، مگر ما می‌توانستیم در زندگی حضرت آیت‌الله بهجت (ره) اشکالی وارد کنیم و یا دیگر بزرگانی که امروزه حوزه علمیه را سرپرستی می‌کنند، اما اشتباه در معرفت اشتباه در عقیده نیست و این طور نیست که این‌ها روبروی امام زمان بایستند آنچه در برخی گزارش‌ها وجود دارد که برخی افراد اهل دین روبروی مهدی می‌ایستند مراد همین فقهای وهابی امروزی هستند .

*خبرگزاری حوزه



همان زمینه‌سازان ظهوریم و دسته دیگری خود را به عنوان مرتبطین با امام زمان معرفی کرده و می‌گویند ما در بیداری یا خواب یا گاهی که به جمکران می‌رویم در جمکران یا سایر مکان‌ها با حضرت دیدار می‌کنیم و حضرت دستورات عمل‌هایی به ما می‌دهند و مریدانی اطراف خود جمع می‌کنند. نظام غرب از این افراد و ساده‌لوحی مریدان آن‌ها برای ضربه زدن به اصل مهدویت و سخیف کردن معارف مهدوی استفاده می‌کند.

*آیا این گونه‌های مختلف انحرافی نقطه وحدتی هم دارند؟

برخی از این افراد شروع به تغییر شریعت می‌کنند و احکام اسلام را نسخ کرده و زیر سؤال نیز می‌برند و درگیری مشترک همه این گونه‌های مدعی با نظام مرجعیت فقهی شیعه است و بهانه آن‌ها این است که امام زمان می‌آید و با روحانیت و فقها و مراجع مبارزه می‌کند. این سخن غلطی است که اگر آن را تبیین علمی کنیم، جایگاهی ندارد. امروزه وقتی این جریانات مدعی را رصد می‌کنیم، می‌بینیم افرادی فریب ادله آن‌ها را می‌خورند.

*در تحریف روایات از چه روش‌هایی استفاده می‌کنند؟

معمولاً در سه روش تحریفات صورت می‌گیرد

الف- استفاده از روایات جعلی؛ یکی روش جعل است، یعنی این جریانات مدعی وقتی شروع به روایت خوانی می‌کنند، اول شروع به استفاده از روایات جعلی می‌کنند روایاتی که مستندی ندارد و جعل شده و دروغ است و می‌خواهند با استفاده از این روایات دروغین به ما القاء کنند که ما در دوران ظهور هستیم و اگر در دوران ظهور هستیم باید منتظر شخصی باشیم که از طرف حضرت مهدی برای ما پیام بیاورد و این روایات جعلی را از مصادر غیر معتبر می‌خوانند.

ب- تقطیع روایات: دومین کاری که انجام می‌دهند تقطیع روایات است. مثل کاری که در فضاهای مجازی می‌کنند و قبل و بعد صحبت فردی را کنار می‌گذارند و یک قسمت از صحبت او را منتشر می‌کنند تا او را بی‌آبرو کنند یا تصویری را استفاده کنند تا او را فرد بی‌اخلاقی جلوه بدهند، امروزه در فضای مجازی چنین بی‌اخلاقی‌هایی وجود دارد. تقطیع هم یعنی حذف قسمتی از روایت و توجه به چند کلمه یا قسمتی از آن، و ممکن است اصل روایت راجع به شرق باشد و این‌ها با برش‌هایی که به روایات می‌زنند راجع به غرب صحبت می‌کنند، تقطیع کردن هم یکی از کارهای این‌هاست.

ج- تحریف روایات: مورد سومی که در مورد روایات به کار می‌برند بحث تحریف است یعنی در لفظ و معنای روایت دست‌کاری می‌کنند. گاهی لفظ را تغییر می‌دهند و گاهی معنا را تحریف می‌کنند و هنگام ترجمه معنای روایت



پرسی و پاسخ

بهای‌ها چه عقیده‌ای دارند؟

بهائیت انشعابی از بایبگری است و بابت انشعابی از شیخیگری است. در اوائل قرن نوزدهم شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی، مدعی رابطه مستقیم با امام زمان (عج) شدند و خود را واسطه میان مردم مسلمان و آن حضرت معرفی کردند» از همین جا راه و رسم شیخی پدید آمد و جمعی از افراد ساده‌لوح و گروهی از فرصت‌طلب‌ها به آن گرایش پیدا کردند. شیخ ملاحسین بشرویه، پس از سید کاظم رشتی، رهبری فرقه را به عهده می‌گیرد و در سفری به شیراز با سید علی محمد شیرازی (محمد باب) ملاقات نموده و مرید و سرسپرده او می‌شود. محمد باب بعد از ادعای بابت امام زمان (عج)، ادعا می‌کند که خود امام زمان است و کار را تا ادعای نبوت پیش می‌برد و بعد از محاکمه و زندان در تبریز اعدام می‌شود. بعد از اعدام سید باب عده‌ای از فریب‌خوردگان و به تشویق و تحریک فرصت‌طلبان و توطئه استعمار، عده‌ای به میرزا یحیی نوری (صبح ازل) و عده‌ای دیگر به میرزا حسینعلی نوری (بهاء‌الله) گرویدند، بهاء خود را پیامبر نامید و از همینجا فرقه بهایی پدید آمد.

میرزا حسینعلی نوری و میرزا یحیی نوری دو فرزند میرزا عباس بودند که در شهر نور مازندران زندگی می‌کرد. «بهاء» همراه با برادرش در تهران پرورش یافت و مقدمات علوم را آموخت. بهاء و برادرش در ابتدا متمایل به تصوف شدند و به مسلک درویش‌ها درآمدند. سپس به باب گراییدند. این دو برادر ضمن ملاقات با علی محمد باب، تصمیم گرفتند که از طریق تلاش در راه بابت به آب و نان و مقامی برسند، لذا بهاء و صبح ازل در تهران کار تبلیغات بابت را آغاز می‌کنند آنگاه به مازندران و جاهای دیگر رفتند و همه جا گرد و غبار و فتنه را برمی‌انگیختند و باب هم به هنگام مرگ وصیتنامه‌ای نوشت و صبح ازل را جانشین خود کرد و بهاء را به محافظت او گماشت.

عقاید بهائیت: به چند مورد از عقاید آنها اشاره می‌شود.

- ۱- این فرقه می‌گوید، سید علی محمد باب امام زمان است که ظهور کرده و با ظهور او اسلام پایان گرفته و اینک دین جدید ظهور کرده و مردم باید همگی بهایی شوند، (شخصیت و اندیشه‌های کاشف الغطاء، کتاب (الایات البینات) به کوشش دکتر احمد بهشتی، ص ۱۰۹، کانون نشر اندیشه اسلامی)
- ۲- پنهان کردن دیشان را ضروری می‌دانند به اصطلاح قائل به تقیه هستند.

۳- روزه نوزده روز است قبل از عید شروع و به عید نوروز ختم می‌شود.

۴- نماز جماعت باطل است مگر در نماز میت.

۵- قبله آنها مرقد بهاء‌الله است در عکا.

۶- حج برای مردان واجب است و بر زنان واجب نیست، آن هم (حج) در خانه‌ای است که بهاء در آن اقامت داشته، یا در خانه‌ای که سید علی محمد

باب در شیراز در آن سکنی داشته است به جا آورده می‌شود.
۷- چند تا اعیاد دارند: - عید ولادت باب، اول محرم. - عید ولایت بهاء، دوم محرم. - عید اعلان دعوت باب، پنجم جمادی. - عید نوروز (المدخل الی دراسة الادیان والمذاهب، العمید عبدالرزاق محمد اسود، ج ۳، صص ۳۱۱ - ۳۰۸، انتشارات الدار العربیة للموسوعات).

۸- نماز پنج تکبیر دارد و در دو وقت خوانده می‌شود یکی هنگام تولد و یکی هم هنگام مرگ. و مطهرات پنج تا است: آب، هوا، آتش، خاک، بیان. همه چیز نجس است مگر آنچه آیه (الله اطهر) بر آن خوانده شود و عبادتگاه‌ها طبق وصیت بهاء باید از نه کناره و یک گنبد تشکیل بشود و این عبادتگاه‌ها در فرانکفورت در آلمان و سیدنی در استرالیا و کامپالا در اوگاندا، لیمیت در شیکاگو و پاناما سیتی در پاناما و دهلی نو در هندوستان است، (شخصیت و اندیشه‌های کاشف الغطاء، ص ۱۱۱ و ۱۳۹، دکتر احمد بهشتی).

فرقه‌های بابیه و بهائیه:

بعد از اعدام سید علی محمد باب بابت به سه فرقه تقسیم شد و بعد از مرگ بهاء‌الله نزاعی که بین دو برادر عباس افندی و محمد علی به وجود آمد دو فرقه دیگر اضافه شد، مجموعاً پنج فرقه شدند.

- ۱- ازلیه (به رهبری میرزا یحیی نوری، صبح ازل)
- ۲- بهائیه (به رهبری میرزا حسین علی، بهاء‌الله)
- ۳- بابیه خالص (فقط رهبری سید علی محمد را قبول دارند)
- ۴- بابیه بهائیه عباسیه (رهبری عبداله‌بهاء عباس افندی)
- ۵- ناقضون (اتباع میرزا محمد علی برادر عبداله‌بهاء)، (المدخل الی دراسة الادیان والمذاهب، ج ۳، ص ۳۱۲، العمید عبدالرزاق محمد اسود).

*به سایت پرسیمان مراجعه شود

ویژه نامه مذهبی - خبرگزاری صدا و سیما

دبیر ویژه‌نامه: زهره قدیمی

